

آیا واقعا عیسی مسیح از آسمان فرود آمد؟

## Did Jesus Christ really come down from Heaven?

مقدمه

### Introduction

قبل از اینکه شروع کنیم لازم است که یک چیز را کاملاً شفاف سازی

لرد عیسی مسیح پسر خداوند است. او عظیمترین جوهر و وجود این جهان است، جدا از خداوند خود او. هدف از این کتابچه افتخاری است بر عیسی مسیح، همانگونه که او شایسته افتخار است

متأسفانه تعالیم کتاب مقدس در ارتباط با عیسی مسیح اغلب سوء تعبیر شده است. در یک تعبیر خوش نیت اما گمراه کننده از افتخار عیسی مسیح بسیاری از کلیساها چیزهایی در ارتباط با او که مطابق کتاب مقدس نیستند تدریس می کنند

این کتابچه شروعی برای تصحیح این نظرات نادرست است

این از تمایل برای انتقاد از دین هیچ فردی نمی باشد، اما به سادگی برای نشان دادن چیزی که کتاب مقدس در ارتباط با عیسی مسیح پسر خداوند در حقیقت تدریس می کند می باشد  
تنها زمانی متوجه میشویم که می توانیم این شکوه و عظمت را تقدیم لرد کنیم، آنچه که شایسته اش است

آلن هیوارد

Author - Alan Hayward

Published by CALS 1975

"من از آسمان فرود آمدم"

"I came down from Heaven"

عنوان این کتابچه سوالی است: آیا عیسی مسیح از آسمان فرود آمد؟

در فصل ششم انجیل یوحنا آیه ای ظهور پیدا می کند برای پاسخ دادن به این سوال. عیسی مسیح گفت  
من از آسمان فرود آمدم و نه برای انجام اراده و خواست خودم بلکه در راستای اراده او، کسی که مرا فرستاد. (آیه ۳۸)

اما ما نباید قضاوت زود هنگام داشته باشیم. این موضوع به اندازه ای که به نظر می رسد ساده نمی باشد

اینجا مشکلی پدیدار می شود زیرا دو زبان مختلف وجود دارد زبان ادبیاتی و زبان تمثیلی. هر دو استفاده شده توسط عیسی مسیح هستند. در این فصل ما آن را بررسی خواهیم کرد

"در آیه ۶۴ او می گوید، " برخی از شما هستید که باور ندارید این زبان ادبیاتی است دقیقاً به همان معناست که گفته می شود. حتی یک کودک هم در تعریف معنایش خطانخواهد کرد

اما برخی از آیات دیگر به این شکل نمی باشد. در آیات ۵۳ و ۵۴ به عنوان مثال عیسی مسیح میگوید  
من به شما می گویم اگر که نخوری گوشت پسر انسان را و ننوشی خورش را، زندگی در او نخواهی داشت و کسی " که می خورد از گوشت من و می نوشد خون مرا زندگی جاودانه داشته است

این زبان تمثیلی است. این بدان معنی که آنچه پدیدار می شود در سخن نمی باشد. و در عوض آن معنی عمیق تری را در بر می گیرد. شما باید به دقت فکر کنید برای اکتشاف مفهوم اصلی آن. در نتیجه اگر حواسمان نباشد می توانیم به سادگی درست متوجه آن نشویم

در حقیقت یهودیان غیر معتقد این را بد متوجه شدند و مشابه گفته های عیسی مسیح. آنها گفتند، "چگونه این مرد می تواند گوشت و جسمش را به ما ببخشد که بخوریم؟" شاید آنها فکر می کردند که عیسی مسیح در حال موعظه آدمخواری بوده است! چیزی که آنها فکر می کردند، کاملاً در اشتباه بودند

خوب در مورد این سخن چه، "من از آسمان آمدم." آیا این زبان ادبیاتی است یا تمثیلی؟

دلیل خوبی است برای فکر کردن به این که می توانست تمثیلی باشد. در آیه ۳۱ همین فصل اشاره ای است از آنچه در عهد عتیق نامیده شده است. "منا." و این نوعی نان و طعامی بود که خداوند فراهم آورد توسط یک معجزه برای مردمانش برای خوردن زمانی که آنها در بیابان بودند. کلمات آیه ۳۱ اینها هستند، "او (خداوند) به آنها نانی بخشید "از آسمان برای خوردن

این واضحاً زبان تمثیلی است. این نان معجزه آسا در آسمان پخت نشده بود و بعد به زمین برسد. این گفته که آن از آسمان آمد به ما این را یادآور می شود که خداوند آسمان آن را به روی زمین خلق کرد

سرود شناخته شده ای است که مردم آن را به هنگام برداشت محصول می خوانند. همسرایان شروع می کنند، "هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست، نازل شده از پدر نورها که در او نه تغییری یست و نه سایه ناشی از دگرگونی." (یعقوب ۱:۱۷) این کلمات مستقیماً بر گرفته شده از عهد جدید هستند، زمانی که میگوید: " هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست و بروی زمین فرود می آید. " این به این معنا نیست که زمانی که کشاورزان آن سرود را میخوانند آنها تصور می کنند که محصولاتشان عیناً از "آسمان و بالا" فرود می آید آنها به سادگی منظورشان آن است که خداوند محصولاتمان را به ما می بخشد

زبان تمثیلی بیشتر

More figurative language

کتاب مقدس استفاده می‌کند این نوع زبان تمثیلی را در مورد انسانها، به علاوه در مورد چیزهای دیگر. این به ما (می‌گوید که "مردی وجود داشت که فرستاده شد از طرف خداوند. نامش یحیی بود." (یوحنا ۱:۶)

هنوز یحیی وارد بهشت نشده بود

فرستاده شده از طرف خداوند" به سادگی به این معناست که خداوند مسئولیت به خصوصی به او بخشید برای انجام دادنش

اما این تعبیر می‌توانست تنها برای آیاتی که در حقیقت سخن عیسی مسیح است بکار رود. "پایین آمدن" از آسمان. تعدادی از عباراتی وجود دارند که به نظر پیشنهاد می‌دهند، در یک راستا یا یکی دیگر را که عیسی مسیح زمانی را در آسمان زندگی کرد، زمانی دور از هنگامی که به روی زمین ظاهر شد. این یکی از آنهاست. "پدر (عیسی مسیح گفت)" پس اکنون ای پدر تو نیز مرا در حضور خویش جلال ده، به همان جلالی که پیش از آغاز جهان نزد (تو داشتم." (یوحنا ۱۷:۵)

چه هستیم ما برای ساختن آیاتی به مانند آن؟ آیا آنها ادبیاتی هستند یا تمثیلی؟ آیا عیسی مسیح واقعاً با خداوند در آسمان قبل از آفرینش دنیا زندگی کرده است؟ یا آیا این کلمات مفاهیم عمیق تری از این را حمل می‌کنند؟

هدف این کتابچه این است که اجازه میدهد کتاب مقدس برای خودش صحبت می‌کند و جواب می‌دهد آن سوالات را برای ما

### سه دیدگاه از عیسی مسیح

### Three views of Jesus

افرادی که به کتاب مقدس اعتقادی ندارند معمولاً می‌گویند که عیسی مسیح یک فرد معمولی بود. آنها کاملاً در اشتباه هستند. او پسر خداوند بود. ما احتیاجی نداریم که زمان را هدر دهیم برای بررسی نقطه نظر آنها

اما ما می‌بایست بررسی کنیم سه نقطه نظر مختلف از عیسی مسیح را آنهایی که نگاه داشته شدن توسط مسیحیان معتقد به کتاب مقدس

اولین نقطه نظر تا الان گسترده ترین و رایج ترین بوده است. و آن این بوده است که عیسی مسیح خداوند قادر و توانا در شکل انسان بوده است. افرادی که معتقد بودند به این اغلب عطف کرده اند عیسی مسیح را به عنوان "دومین شخصیت در تثلیث"، اگرچه آسان نیست پیدا کردن دقیق چیزی که منظورشان از این اصطلاح است. مطابق این نقطه نظر عیسی مسیح در آسمان زندگی کرد برای همیشه و هرگز قبل از آن به روی زمین ظاهر نشد

دومین دیدگاه اندیشه ایست توسط جسمی شناخته شده "شاهدان یهوه"، یکی از فرقه های کوچک. آنها می‌گویند عیسی مسیح خداوند نیست، اما او یک فرشته توانا و قادر است کسی که خلق شده توسط خداوند بود مدت زیادی پیش. آنها همچنین معتقدند که عیسی مسیح مدت طولانی در آسمان زندگی کرده قبل از آنکه به روی زمین زندگی کند

افرادی که نگاه داشتن این نقطه نظرات را، البته برگرفته شده عینی از آیاتی که سخن می گویند از آمدن عیسی مسیح از آسمان.

نقطه نظر سوم نگاه داشته شده است توسط کریستا دلفین و برخی دیگر. مطابق بر این نقطه نظر عیسی مسیح شخصاً در آسمان زندگی نکرد قبل از آنکه او به روی زمین متولد شده باشد؛ و این آیات که رجوع می کنند به اصل آسمانی او باید درک شده تمثیلی باشند.

این نقطه نظریست که در این کتابچه توضیح داده شده خواهد بود. اگرچنین اندیشه‌ای از آن شما را متحیر می کند، لطفاً صبور باشید و به خواندن ادامه دهید. سنگینی عظیمی از گواه کتاب مقدس وجود دارد برای تقویت این دیدگاه.

### عیسی مسیح یک انسان حقیقی بود

#### Jesus was a real man

عیسی مسیح یک انسان معمولی و گناهکار نبود. اجازه دهید که اشتباهی درباره آن صورت نگیرد. او یک فرد منحصر به فرد بود. او پسر خداوند بود. با این وجود، در یک حس کاملاً واقعی او یک انسان بود و نه خداوند قادر مطلق.

این بدان معنی نیست که به محض اینکه او جسمانی به آسمان رفت متوقف ساخت انسان بودن را. کتاب مقدس به ما می آموزد که به او فکر کنیم به عنوان یک انسان، حتی در این زمان. بعد از آنکه عیسی مسیح از مردگان برخاست و به آسمان صعود کرد، عهد جدید این را اظهار داشت که

اماعطا همانند نافرمانی نیست زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان بسیاری مردند، چقدر بیشتر فیض خدا و " عطایی که به واسطه فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح فراهم آمد، به فراوانی شامل حال بسیاری گردید. به راستی که این عطا همانند پیامد گناه آن یک تن نیست. زیرا مکافات از پی یک نافرمانی نازل شد و به محکومیت انجامید. اما عطا از پی نافرمانی های بسیار آمد و پارساشمردگی را به ارمغان آورد. زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک انسان مرگ از طریق او حکمرانی کرد، چقدر بیشتر آنان که فیض بیکران خدا و عطای پارسایی را دریافت کرده‌اند، توسط آن انسان دیگر، یعنی عیسی مسیح، در حیات حکم خواهند راند. پس همانگونه که یک نافرمانی به محکومیت همه انسان‌ها انجامید یک عمل پارسایانه نیز به پارسا شمرده شدن و حیات همه انسان‌ها منتهی می‌گردد. زیرا همان‌گونه که به واسطه نافرمانی یک انسان، بسیاری گناهکار شدند، به واسطه اطاعت یک انسان نیز بسیاری پارسا (خواهند گردید. (رومیان ۱۹\_۵: ۵ نسخه انگلیسی امروزی

زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که عیسی مسیح " (است. " (۱ تیموتائوس ۵: ۲)

عیسی مسیح در حقیقت یک انسان است. این آموزه غیر قابل شک از عهد جدید است. حال مقایسه کن این کلمات را توسط اسقف سابق وولویچ، دکتر رابینسون، در کتابش، " به خداوند قسم " در یک گذر از عبارت در جایی که او در حال توضیح است که چگونه بیشتر مسیحیان عیسی مسیح را از نظر می گذرانند. "عیسی مسیح زاده انسان و

لوحه نبود، او خداوند بود برای دوره‌ای محدود و مشارکت کردن در یک معما و بازی. او شبیه انسان بود، اما در زیر او "خداوند بود که پیراسته بود \_ مانند بابا نوثل

خیلی از افراد مرجع اسقف را نسبت به بابانوثل اهانت آمیز تشخیص می دهند. در عین حال سوا از آن، آنها موافق هستند که این آموزه ای منصفانه است از آموزه‌های کلیسا. اگر عیسی مسیح واقعا خداوند بود، یا حتی یک فرشته توانا کسی که یک وقتی زندگی کرد در آسمان، بعد او یک انسان واقعی نبود، اما یک فرد الهی آراسته شده در جسم انسانی.

اما عهد جدید غیر موافق است. آن تعریف می کند عیسی مسیح را به عنوان یک انسان. این اولین دلیل برای فکر کردن به آن است که نظر معمول از عیسی مسیح اشتباه است

### تولد عیسی مسیح

### The birth of Jesus

تولد لرد عیسی مسیح نتیجه یک معجزه نیرومند بود. مادر او یک بانوی ازدواج نکرده جوان از یک شخصیت والا بود. او یک باکره بود. این چیزی است که اینگونه اتفاق افتاد

فرشته به او گفت، نترس مریم برای تو موحبتی از خداوند جسته ایم. و مشاهده کن، تو آبستن خواهی شد در " رحمت و پسری را حمل و خواهی زایید، و تو او را عیسی مسیح خواهی نامید... و مریم گفت به فرشته که چگونه امکان پذیر است، زمانی که من همسری ندارم؟

و فرشته به او گفت، روح القدس به تو خواهد آمد و قدرت عالی ترین مرتبه تو را احاطه خواهد کرد و بنابراین

(فرزندی که متولد می شود مقدس خوانده خواهد شد، پسر خداوند. " (لوقا ۳:۳۰-۳۱)

بیاموزید آن کلام را به دقت که از طرف آنها بیشتر از این برای یادگیری وجود دارد

آن فرزند پسر مریم بود. آن فرشته نگفت، "مریم تو بدنی از جسمی برای شخصی الهی خواهی ساخت برای آمدن و زندگی کردن." او گفت، تو آبستن خواهی شد از رحمت و پسری را حمل و خواهی زایید. " این کلمات واضحا بر آن است تا عینا تفهیم سازد. آنها توضیح می دهند شروع یک زندگی انسانی را \_ نه آمدن به روی زمین بعنوان شخصی الهی.

همچنین اگر عیسی مسیح یک شخص الهی بود، میلیون ها سال بزرگتر از مریم می توانست باشد در هر مفهوم واقعی، پسر او؟ از زمانی که او پسر او بود، و نه تنها یک نوع غیر معمول از فرزند خوانده

در سرتاسر انجیل ها او نامیده شده است، گاهی اوقات هم پدر او نامیده شده است، ما هیچ شکی در مورد حقایق واقعی نداریم. لوقا منصوب میکند عیسی مسیح را به عنوان "پسر، همانگونه که یوسف فرض می شد." (لوقا

۳:۲۳)

پس عیسی مسیح حقیقتاً پسر مریم بود، و نه یک شخص الهی به ظاهر پسر مریم. همانگونه که بچه ها انجام میدهند او نیز در خیلی از طریق ها به مانند مادرش بود. این چیزی است که عیسی مسیح را یک انسان واقعی ساخت. انسان های واقعی زندگی نمی کنند در آسمان قبل از آنکه آنها متولد شوند، همانطور که او زندگی نکرد. مفهوم معجزه آسای آن و تولدش شروع وجودش به عنوان یک شخصیت بود

طبیعت انسان ضعیف است و پر از وسوسه. همانگونه که بعداً خواهیم دید، عیسی مسیح به ارث برد از مادرش این ضعف طبیعت انسان را

اما آن تنها نیمی از این داستان است. فرشته آن را رک و ساده کرد که پسر مریم همچنین پسر خداوند بود. "قدرت عالی ترین مرتبه تو را احاطه خواهد کرد و بنابراین فرزندی که متولد میشود مقدس خوانده خواهد شد، پسر (خداوند)." فرشته این را گفت. (لوقا ۱:۳۵)

عیسی مسیح همچنین به ارث برد چیزهای دیگری را از دیگر والدینش. خداوند پدرش بود، و از خداوند به ارث برد خواست و آرزوی انجام آنچه همواره خوب بود. این چیزی بود که او را کمک کرد تا غلبه کند بر این ضعف طبیعت انسانی \_ برای جنگیدن با وسوسه و برای پیروزی یافتن بر آن

### دوران کودکی عیسی مسیح

### The childhood of Jesus

به ما در مورد کودکی عیسی مسیح خیلی کم و مختصر گفته شده است. یک چیزی که به ما گفته شده است و خیلی مهم است. لوقا توضیح می دهد طریقی که او بزرگ شد و رشد کرد به مانند این: "عیسی در قامت و حکمت و (در محبوبیت نزد خداوند و مردم ترقی می کرد." (لوقا ۲:۵۲)

آنهایی که معتقدند عیسی مسیح در واقع خداوند بود سردرگم هستند توسط این آیه چگونه خداوند می توانست خردمند را رشد دهد و رشدش دهد در محبت خودش؟

این ایده پوچ است. واضحاً لوقا باور نداشت که عیسی مسیح خداوند بود. سکنی کردن برای یک زمانی در بدن یک پسر.

چیزی از دیگر ایده این است که، عیسی مسیح فرشته ای توانا از آسمان بود، ساکن شدن در بدن یک پسر در حال رشد؟ این نمی تواند بهتر باشد. مانند یک فرشته بودن مطمئناً باید کامل بوده باشد، قبل از آن که او به زمین بیاید. "یک فرشته درون بدن یک پسر نمی توانست باشد" رشد و ارتقا خرد است و... در محبت خداوند بودند

خیر، این آیه توضیح می دهد رشد و بزرگ شدن یک پسر واقعی را. بدنش پرورش یافت. اندوخته خردش به صورت یکنواخت وسعت یافته بود. و شخصیتش بالغ شد به خوبی که پدرش بیشتر و بیشتر خرسند شد از او

پیروزی او بر وسوسه

## His victory over temptation

گفته شده است که بوکسور ها و کشتی گیران حرفه ای گاهی اوقات قبل از نبرد جمع می شوند و به توافق می رسند. آنها موافقت می کند که به یکدیگر صدمه نزنند، اگرچه به خاطر جمعیت حضار آنها طوری نشان می دهند که انگار آنها در حال نبردی سخت هستند. آنها حتی تصمیم می گیرند که چه کسی این مبارزه نمایشی را خواهد برد و البته آنها موافقت می کنند که جایزه را تقسیم کنند

نامی برای این عنوان فریب وجود دارد که "تباری" نامیده می شود

حال در مورد عیسی مسیح در کتاب مقدس توضیح داده شده است به عنوان جنگیدن در یک نبرد عظیم در مقابل وسوسه های انسانی. او هر روز با وسوسه جنگید و هر دفعه نیز پیروز گشت

همه ما می دانیم که وسوسه چیست. اگر عیسی مسیح یک انسان واقعی بود، بعد ما می توانیم متوجه شویم که چه درگیری داشته است. اما اگر عیسی مسیح یک شخص در شکل و ظاهر انسان از آسمان در بدن انسان بود، بعد می توان گفت که آن هرگز یک نبرد نبوده است بلکه تنها می توانست "تباری" باشد

بر این اساس امکانی وجود ندارد برای خداوند یا یک فرشته که مانند ما وسوسه شده باشد. در کتاب مقدس گفته (شده است، "هنگامی که کسی وسوسه می شود هوای نفس خود اوست که او را می فریبد." (یعقوب ۱:۱۴)

در عین حال در مورد عیسی مسیح گفته شده است که

زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعف های ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما (وسوسه شده است بدون اینکه گناه کند). (عبرانیان ۴:۱۵ نسخه انگلیسی امروزی)

یک مرتبه که عیسی مسیح در حال نبرد با وسوسه بود به خداوند گفت، "نه به خواست و اراده من، اما به خواست و (اراده تو انجام شود. (لوقا ۲۲:۴۲)

از قرار معلوم عیسی مسیح اراده خودش را داشت که می بایست میشکست، چنان که خواست و اراده خداوند می توانست در عوض انجام شده باشد، اگر او انسانی واقعی بود و در این صورت است که می توانیم این آیه را درک کنیم، اما هیچ گونه حسی را بر نمی انگیزد اگر عیسی مسیح خداوند می بود و یا یک فرشته در شکل انسان

### چگونه عیسی مسیح کامل شد

## How Jesus became perfect

دو روش کاملاً متفاوت وجود دارد در اینکه یک چیزی می تواند کمتر از کامل باشد در سپاسگزار بودن این تفاوت بین آنها مهم است

یک خانه قدیمی که نزدیک به فروپاشی است کامل و بی عیب نیست. به خاطر اینکه آن پوسیده است. نقص های زیادی بر آن وجود دارد

یک خانه ای که نیمه ساخت است نیز کامل و بی عیب نیست. اما این یک تفاوت نوع نقص و عیب است. هیچگونه نقصی برای این خانه نیمه ساخته وجود ندارد. آن خوب است تا آن اندازه که پیش رفته است. اما هنوز تمام و کامل نشده است.

اما عیسی مسیح هرگز در مفهوم اولیه ناکامل نبود. هیچ نقصی در او وجود نداشت. او هرگز گناه نکرد، حتی برای یکبار.

با این حال، شخصیت او رفته رفته می بایست که رشد کند، مانند خانه ای که در حال ساخت بوده است، تا زمانی که کامل شده باشد. در این مفهوم او می بایست کامل و بی عیب می شد، همانگونه که عبارت کتاب مقدس نشان می دهد:

اگر چه پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت. و چون کامل شد، همه آنان را که از او " (اطاعت می کنند منشاء نجات ابدی گشت. " (عبرانیان ۵:۸،۹  
به جا بود خدا که همه چیز برای او و به واسطه او وجود دارد، برای اینکه پسران بسیار را به جلال برساند، قهرمان " (نجات ایشان را از راه تحمل رنج کامل گرداند. " (عبرانیان ۲:۱۰

بار دیگر واضح است که نقصی در این ایده مرسوم وجود دارد که عیسی مسیح یک شخصیت الهی ملبس با یک بدن انسانی بوده است. آیا می توانید موجودی همانند را تصور کنید "؟ با رنجی که کشید اطاعت را آموخت"؟ آیا می توان شخصیتی الهی را که کامل شود توسط رنج را تصور کرد؟

البته که نه. اینجا توضیحی از انسانی واقعی که شخصیت کامل شده ای ساخته است را داریم، لایه به لایه

اگر عیسی مسیح خودش خدا می بود یا یک فرشته عظیم، بعد می بایست قبل از آنکه به این دنیا بیاید کامل می بود. اما این چنین نبود عیسی مسیح. صراحتاً به ما گفته شده است، تنها او کامل و بی نقص شد توسط رنج بر روی زمین.

**مرگ او به روی صلیب**

**His death on the cross**

مرگ عیسی مسیح ارائه میکند هنوز یک مشکل دیگر را برای آنان که نگاه داشته اند نظرات معمول را در مورد طبیعت او. خداوند نمی تواند بمیرد، در کتاب مقدس گفته شده است. همچنین فرشتگان نیز نمیتوانند. (دانیال ۱۲:۷، تیموتائوس ۶:۱۶، متی ۲۲:۳۰)

در عین حال، همانگونه که هر کسی می داند، عیسی مسیح بروی صلیب مرد

برخی از انسان ها فکر می کنند که جوابی برای این موضوع دارند. آنها می گویند "بله آن تنها بدن او بود که مرد در حالی که روح درون بدنش به زندگی ادامه داد"



اینگونه نمی تواند باشد. کتاب مقدس می گوید که تنها بدن عیسی مسیح نبود که مرد. به ما گفته شده است " زیرا (جان خویش را به کام مرگ ریخت. " (اشعیا ۵۳:۱۲)

علاوه بر این، کتاب مقدس نشان می دهد به ما که عیسی مسیح از مرگ میترسید به اندازه ای که ما می ترسیم. مرگ آزمون وحشتناک بود برایش، همانگونه که برای ما می باشد. " او در ایام زندگی خود بر زمین با فریادهای بلند و اشکها به درگاه او که قادر به رهاندنش از مرگ بود، دعا و استغاثه کرد و به خاطر تسلیمش به خدا مستجاب (شد. " (عبرانیان ۵:۷)

این همچنین گواه قوی است که عیسی مسیح نه خداوند بود و نه فرشته در شکل انسان. آیا چنین موجودی رنج کشیده است اندوه بزرگی را در اندیشه از دست دادن بدن موقتی انسانی اش؟

مسلما تنها یک انسان واقعی، کسی که نزدیک به مرگ است می تواند چنین احساسی نسبت به مرگ داشته باشد.

### عیسی مسیحی در دست راست خداوند قرار دارد Why Jesus is at God's right hand

(به دست راست من بنشین تا آن هنگام که دشمنان را کرسی زیر پایت سازم. (مزمور ۱۱۰:۱، عبرانیان ۱:۱۳)  
در این کلمات و در طریقت های متنوع دیگر کتاب مقدس به ما می گوید که چگونه عیسی مسیح عظیم است. او دومین شخصیت بزرگ در تمام آفرینش است، دومین تنها برای خداوند

حال فرض کن که این سوال از خودمان پرسیده می شد. " چرا این است؟ چرا عیسی مسیح خیلی عظیم است؟ چرا " خداوند همچنین مقام والایی به او بخشیده است؟

آنهایی که معتقد هستند که عیسی مسیح خداوند است یا یک فرشته جواب ساده ای دارند. آنها می گویند، " زیرا او همیشه عظیم بود. او روحی عظیم در آسمان بود قبل از اینکه به زمین بیاید. سپس او به جایی که تعلق داشت " برگشت. او به مقام و مکان والایی که از آنجا آمد برگشت  
اما این جواب کتاب مقدس نمی باشد

کتاب مقدس می گوید که عیسی مسیح بعد از زندگی اش به روی زمین عظیم گشت. گفته شده است که او عظیم و والا گشت بعد به خاطر آن خداوند او را والا گردانید. و این به ما می گوید که رفته رفته خداوند او را عظیم و والا گردانید چرا که مستحق آن بود به خاطر آنچه به روی زمین انجام داد

اما عیسی را می بینیم که اندک زمانی پایین تر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده " شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد. " (عبرانیان ۹:۲ نسخه (انگلیسی امروزی

خداوند می فرماید: چون مرا دوست می دارد، او را خواهم رهانید، و چون نامم را می شناسد از او محافظت خواهم (کرد. " (مزمور ۹۱:۱۴ نسخه کینگ جیمز

تو پارسایی را دوست میداری و شرارت را دشمن، از این رو خدا، خدای تو، تو را بیش از همقطارانت به روغن " (شادمانی مسح کرده است. (مزمور ۴۵:۷

و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی به صلیب مطیع گردید. پس خدا نیز او را " (به غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه نام ها به او بخشید. " (فیلیپیان ۲:۸،۹)

این مسلمان آخرین گواه قطعی است که عیسی مسیح یک انسان واقعی است. یک انسان واقعی، اما با این وجود یک انسان کاملاً خالص. او تنها انسانی است که کاملاً به وسوسه انسانی پیروز شد. به این دلیل است که او حال در دست راست خداوند قرار دارد.

### مشاهده کردن از دیدگاه خداوند

### Seeing things from God's point of view

در صفحه اول و دوم ما نگاهی داشتیم به کلام عیسی مسیح "من از آسمان فرود آمدم." به خاطر آوردن کلام متکی، "به سرود کتاب مقدس،" تمامی هدایا در اطرافمان از آسمان فرستاده شده‌اند ما دیدیم که این کلام عیسی مسیح می‌توانست به راحتی تمثیلی باشد نه ادبیاتی

حال ما می‌توانیم به یک جمع‌بندی قطعی تر برسیم. در نور تمام آموزه ساده ما نگاهی داشته ایم به اینکه ما می‌توانیم قطعاً بر این اساس باشیم که عیسی مسیح یک انسان واقعی بود. شخصیتی که کلامش در مورد "آمدن به روی زمین از آسمان" است. به سادگی می‌بایست که تمثیلی باشد. ما می‌توانیم مطمئن باشیم از آن. او از قرار معلوم بدین معناست که زندگی او از زمانی شروع شد که خداوند آسمان به زمین رسید و کارکرد به روی معجزه بزرگ بر مادر او، مریم

این همچنان رها می‌کند یکی از معماهای آیات را. مثال‌هایی وجود دارند، کلامی از یوحنا ۱۷:۵، "پس اکنون ای پدر، تو نیز مرا در حضور خویش جلال ده، به همان جلالی که پیش از آغاز جهان نزد تو داشتیم." و تعداد اندکی دیگر؟ عبارات کتاب مقدس جایی که توضیحات مشابهی اتفاق می‌افتد. آیا همچنین این می‌توانست که زبان تمثیلی باشد؟

بله، در واقع می‌توانست اینگونه باشد. اما برای درک کردن چنین تعریفی از گفته‌ها ما می‌بایست تلاش ویژه‌ای داشته باشیم برای دیدن هر چیزی از دیدگاه خداوند

تفاوت‌های زیادی بین خود ما و خداوند وجود دارد. یکی از آنها که مربوط به ما می‌شود این است که برای ما آینده ناشناخته است، ما تنها می‌توانیم حدس بزنیم که فردا چه اتفاقی خواهد افتاد. اما خداوند آینده را میداند. فردا برای او واقعی است همان‌گونه که امروز برای ما می‌باشد. به این دلیل است که پیشگویی‌های کتاب مقدس همیشه به حقیقت می‌پیوندد

پولس تعبیر کرده است این حقیقت را در کتاب رومیان ۴:۱۷، لحاظ می‌کند که در کتاب پیدایش به ابراهیم گفته شده است که "من تو را پدر خیلی از قوم‌ها نهادم ام"

در این عبارت لحاظ شده است که نهاده ام نه اینکه خواهم نهاد تورا، اما من تورا نهاده‌ام. در آن زمان ابراهیم تنها یک فرزند داشت. اما زمانی که خداوند چیزی را وعده می‌دهد آن عهد قطعی است. آن چیز به همان خوبی انجام شده است.

زمانی که انسانی عهدی می‌بندد می‌گوید که انجامش خواهد داد مانند این و آن. اما خداوند توسط پیامبرانش مکرراً در مورد آینده می‌گوید، "من انجام داده‌ام به مانند این و آن" زمانی که او این تعریف را دارد قطعاً خواهد انجامیدش.

در نیمه دوم رومیان ۴:۱۷ پولس ترسیم می‌کند این درس همانند را. او می‌گوید، در کلام کتاب مقدس انگلیسی "جدید، که خداوند" فرا می‌خواند چیزهایی را که هنوز وجود ندارند انگار که قبلاً وجود داشته اند

### آینده برای خداوند شناخته شده و حقیقی است

#### The future is real to God

با کمی کمک از حواری پولس ما اصلی مهم را برقرار کرده‌ایم. برای ما تنها گذشته و حال واقعی است. آینده از چشمان ما مخفی است.

اما خداوند متفاوت است. او می‌تواند کاملاً آینده را ببیند. آینده حقیقی است برای خداوند همانگونه که زمان حال برای انسان. مکرراً خداوند می‌تواند از آینده صحبت کند انگار که آن قبلاً اتفاق افتاده بوده است

در جاهای مختلف کتاب مقدس خداوند این را انجام داده است. اینجا سه نمونه از آنها مثال زده شده است  
کلام خداوند به من نازل شده، گفت: پیش از آنکه تو را در رحم نقش بندم، تو را شناختم، و پیش از آنکه به دنیا (۱) بیایی تو را جدا کردم، و تو را به قوم‌ها نبی قرار دادم. (ارمیا ۱:۴،۵)

پس خداوند می‌شناخت ارمیا را قبل از آنکه بشر زاده شود! واضحاً این زبان تمثیلی است. این بدان معنی نیست که ارمیا واقعاً وجود داشت قبل از تولدش. این بدان معناست که خداوند می‌توانست نگاهی به درون آینده داشته باشد و ارمیا را ببیند قبل از اینکه متولد شده باشد. برای توضیح آن به روشی دیگر، قبل از آنکه ارمیا متولد شود او در ذهن خداوند وجود داشت

زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدس و بی‌عیب باشیم و در محبت بنا بر قصد (۲) نیکوی اراده خود ما را از پیش تعیین کرد تا به واسطه عیسی مسیح از مقام پسرخواندگی او برخوردار شویم.  
(افسیسیان ۱:۴،۵ نسخه انگلیسی امروزی)

پس آن فقط ارمیا نبود، خداوند همچنین افراد کلیسایش را نیز می‌شناخت قبل از آنکه آنها متولد شده باشند! این همچنین زبان تمثیلی می‌باشد. بنا بر معرفت خداوند از آینده. در دومین جمله آن عبارت که پولس می‌گوید، چیزی که واقعاً آن منظورش است در زبان ادبیات‌یست "خداوند از قبل تصمیم گرفته است که ما را به سوی خودش" بیاورد.

او (عیسی مسیح) پیش از آفرینش جهان انتخاب شد، اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد. (۱ پطرس ۳)  
"۱:۲۰) از آنچه که ما کلام انگلیسی را می گیریم. "پیش بینی  
در آن عبارت این کلمه "انتخاب شده" شگفت انگیز است. آن ترجمه یونانی معنی کلمه "شناخته شده از پیش"  
است. این شکل کلمه یونانی است

پیش بینی کلمه ای است که بیشتر توسط دکتر ها استفاده می شده است. به مانند معادل یونانی اش، به این معنا  
"شناخت از پیش" شاید یک دکتر برای مثال بگوید، "این شخص سرطان معده دارد. پیش بینی من این است که  
"خونریزی ادامه پیدا خواهد کرد و او کمتر از یک ماه زنده نخواهد بود

البته که دکتر ها می توانند اشتباه کنند. آنها اقرار می کنند که پیش بینی هایشان مانند شرایط آب و هوایی اغلب  
اشتباه از آب در می آید. اما خداوند متفاوت است. او در واقع از پیش می داند. یک پیش بینی از خداوند بی شک  
قطعی است

آیه ای که بالا نقل شده است، به ما می گوید که خداوند در مورد عیسی مسیح می دانست قبل از آن که دنیا را خلق  
کند. این تنها چیزی است که ما از آن انتظار داریم. ما در عبارت قبلی می بینیم که خداوند در مورد مسیحیان  
می دانست قبل از آنکه دنیا آفریده شود

ارمیا کلیسای اولیه و لرد عیسی مسیح. آنها همه آنجا بودند، در ذهن خداوند از زمان شروع آفرینش

پس آن شگفت انگیز نیست که عیسی مسیح باید به پدرش گفته باشد در آسمان، "پس اکنون ای پدر تو نیز مرا در  
(حضور خویش جلال ده، به همان جلالی که پیش از آغاز جهان نزد تو داشتم." (یوحنا ۱۷:۵)

ما الان میدانیم که منظورش چه باید باشد از این

**خداوند طراح عظیم**

**God the great planner**

زمانی که انسان ها برای انجام کاری چیزی مهم را مطرح می کنند آنها توسط رسم یک برنامه شروع می کنند

قبل از انجام یک حمله فرمانده ارتش برنامه نبرد را فراهم می کند، و آشکار می کند آن را برای ژنرال هایش. قبل از  
هر سازه عظیمی که ساخته شود یک مهندس درگیر رسم یک برنامه از آن است

برنامه های انسان ها اغلب به هیچ ختم می شود. دشمن شاید یک غافلگیری بسازد و آن را غیرممکن سازد برای  
ژنرال ها برای شروع نبردشان. یک مشتری شاید به آخر برسد و به مهندس بگوید که مرسوماتش را پاره کند

اما هیچ چیزی نمی تواند خداوند را از خواستش برای انجام برنامه اش برای این دنیا متوقف کند  
همانگونه که ما دیده ایم او شروع کرد به صحبت کردن انگار که برنامه اش از قبل انجام شده بوده است، حتی قبل  
از آن که مشغول به انجام شده بود

عهد قدیم نامی برای برنامه خداوند دارد. آن خرد خداوند نامیده شده است. واژه نامه جدید کتاب مقدس که نوشته شده توسط کشیش ها می باشد نه توسط کریستا دلفین ها می گوید که خرد در عهد قدیم می ایستد برای تکمیل و انجام مقاومت ناپذیری از آنچه او در ذهنش دارد

:این تعریفی به جا است. آن به خوبی در ادامه عبارت عهد قدیم مناسب است که  
آیا حکمت ندا در نمی دهد و فهم آوای خویش بلند نمی کند؟... کنار دروازه های ورودی شهر و به مدخل ها بانگ " برمی آورد: "... خداوند مرا در آغاز راه خویش تولد بخشید، پیش از کارهای خود در زمان قدیم. من از ازل شکل (گرفتم، در ابتدا، پیش از آغاز جهان. (امثال ۲۳\_۸:

به عبارت دیگر قبل از آنکه خداوند کارش را به روی دنیا شروع کند برنامه اش را رسم کرد \_ خرد، همانگونه که یهودیان نامیدنش

یونانیان \_ آنهایی که به یک خداوند و خدا ها معتقد بودند، اگرچه نه خداوند کتاب مقدس \_ نامی دیگر بر آن بخشیدند. آنها آن را کلام خداوند نامیدند. همانگونه که واژه نامه کتاب مقدس می گوید که کلام یونانی برای کلام "بدین معناست. "هر دوی آنها برنامه خداوند و قدرت خداوند از آفرینش

این کمک کننده است زیرا آن ما را ناتوان می کند از فهم فصل اول انجیل یوحنا، یوحنا به نظر تاکید کرده است ایده یونانی کلمه خداوند را با ایده یهودیان، خرد خداوند. انجیلش با "در ازل کلمه بود." شروع میشود

برخی افراد نمی توانند ارتباط برقرار کنند با این عبارت. دیگران فکر می کنند که آنها می توانند، اما آنها برداشت اشتباه از آن می کنند، زیرا آنها فکر می کنند که کلمه یک موجود زنده است. (این بنا براین، به این دلیل است که مترجمان در این عبارت مراجعه می کنند به کلمه به عنوان "او" در کتاب مقدس انگلیسیمان کلمه یونانی را برای ("او" همچنین به معنای "آن" و اینگونه است که باید اینجا اینگونه ترجمه شده باشد

حال اگر ما به برنامه خداوند فکر کنیم در قبال "کلمه" او و "آن" را استفاده کنیم به جای "او"، این چیزی است که ما از یوحنا: ( یاد میگیریم. "در ازل برنامه بود و برنامه با خداوند بود و این برنامه خود خدا بود. آن در ازل با خداوند بود، همه توسط او ساخته شد و بدون او هیچ چیزی ساخته شده نبود که ساخته شده باشد. در اون زندگی بود، و زندگی نور بشریت بود... و این برنامه جسم گرفت و در میان ما ساکن شد، پر از زیبایی و حقیقت. ما مشاهده کرده (ایم عظمتش را و عظمت و جلال به عنوان تنها پسر از طرف پدر. (یوحنا ۱۴:۱)

این کلام خلاصه شده یوحنا آموزه زیبای کتاب مقدس. عیسی مسیح وجود داشت در آسمان از آغاز، اما نه به عنوان شخص. او وجود داشت به عنوان یک ایده عظیم در ذهن خداوند، همانگونه که در مرکز برنامه خداوند بود. او به عنوان شخصیتی وجود نداشت تا زمانی که متولد شد در بیت لحم. بعد در عبارت یوحنا که "این برنامه جسمی گرفت."

محترم شمردن عیسی مسیح

Honouring Jesus

حال ما دیده ایم چیزی را که کتاب مقدس به ما می آموزد در مورد عیسی مسیح ما می توانیم شروع به افتخار کنیم به او به عنوان آن که ما قبلاً انجام نداده ایم. شما خواهید دید این چیزی است که اگر آنچه را که ما بحث کردیم به آن فکر کنید

ما مشاهده کردیم که دو نوع زبان وجود دارد در کتاب مقدس. زبان ادبیاتی که به معنای آن است که کاملاً در ظاهر گفته می شود و زبان تمثیلی که معنای عمیق تری را به همراه دارد

در حال حاضر زمانی که عیسی مسیح گفت که او از آسمان فرود آمد او شخصاً در آسمان نبود. پس کلام او نمی تواند به واقع ادبیاتی باشد اما قاعدتاً زبان تمثیلی می باشد

زیرا خداوند همه چیز را میداند و می تواند آینده را نیز بنگرد. وقتی خداوند قادر تصمیم گرفت که چیزی را انجام دهد آن به خوبی انجام شده است. پس قبل از آنکه او این دنیا را خلق کند خداوند برنامه اش را ترسیم کرد. عیسی مسیح شروع این برنامه بود و مهمترین قسمت آن. و همچنین رهروان عیسی مسیح همه در این برنامه بودند هر دوی آنها و لرد آنها صحبت کرده اند همانگونه که هستی قبل از آفرینش این دنیا

نه او و نه آنها زنده بودند و بعد البته آنها در ذهن خداوند وجود داشتند به عنوان قسمتی از برنامه اش. در این مفهوم تمثیلی همه آنها در آسمان وجود داشتند از زمان شروع آفرینش

اما زندگی حقیقی عیسی مسیح تنها زمانی شروع شد که او در بیت لحم متولد شد. تولد او در امتداد یک معجزه بود. خداوند پدرش بود و مریم مادرش که یک باکره بود

او مادر واقعی اش بود و پسر او بود به اندازه ای که پسر خداوند بود. به این دلیل است که او یک انسان واقعی است. این بدین معناست که او رنج کشید به مانند وسوسه ها برای گناه مثل انسانی دیگر

اما او بر وسوسه غلبه کرد کاملاً، او بدون گناه زیست و شخصیتی والا رشد داد. به عنوان پاداش خداوند او را از مردگان برخاست و او را والاترین و عظیم ترین شخص بعد از خودش در جهان هستی قرار داد

اما اگر آن خداوند را این چنین خشنود کرد که به عیسی مسیح افتخار کند، ما نیز باید به او و خداوند مفتخر باشیم، برای دلیل مشابه. ما باید توانایی نگارستن به آسمان را داشته باشیم و به خداوند بگوییم که

پدر آسمانی ما، پسر تو می بایست با وسوسه بجنگد همانگونه که من باید بجنگم. پس او می داند که چگونه من "

"نیز احساس می کنم

اما او برنده شد بر هر نبردی و او در مقابل وسوسه جنگید در حالی که من اغلب وسوسه می شوم و نمی توانم. خداوند من در شگفتم از پیروزی بزرگ او و آرزو می کنم که می توانستم او را سرمشق خود قرار دهم بیشتر از آنچه انجام می دهم"

اما من ضعیف هستم، خداوند از تو می خواهم که به من رحم نمایی و مرا کمک کنی " کمکم کن که بیشتر به مانند پسر ت باشم. کمکم کن با تمام قلبم سعی کنم که او را دنبال کنم

"کمک کن که عاشق او باشم و به او افتخار کنم و اطاعت کنم او را  
خداوند قادر و توانا پسر تو در سرتاسر این زندگی رنج آور و مرگ، خودش بوده است، زیرا که میدانم او مرا درک  
میکند، خداوندا، من به واسطه او دعا می کنم برای کمک تو و می دانم که تو مرا میشنوی

توسط: آلن هیوارد

ترجمه: هادی